

با این بد طینتان نسبت کجا باشد عدالت را

جریانات نا هنجار و دلخراش خاور میانه و بیداد گریهای صهیونیسم علیه مردم بیگناه و بی پناه فلسطین در روز های اخیر، مرا نیز بر انگیخت تا روی سخنم را به آن نقطه جهان پهناور معطوف سازیم.

حملات وحشیانه نظامی اسرائیل بالای نوار غزه که با خون و آتش و فریاد مظلومانه ملیونها انسان بی وسیله عجین گشته است ، اینک، وارد سومین هفته تراژیدی خود گردید. تا آنجا که بیاد مانده است ؛ درامه خونین کنونی وقتی آغاز شد که دوجوان یهودی ظاهراً از سوی گروه حماس ربوده و کشته شدند. هرچند، نیرو های اسرائیلی نیز متعاقباً یک جوان بیگناه فلسطینی را ربوده و کشتند، اما، از آنجا که رژیم صهیونیستی اسرائیل، با دست بالایی که در منطقه یافته است، همیشه در پی بهانه ها به منظور سرکوب نظامی یا تضعیف قدم به قدم نیرو های فلسطینی بصورت کل و گروه حماس در نواز غزه بگونه خاص بوده است ، بهترین بهانه و یا زمینه یورش های تازه نظامی اسرائیل را شلیک یک و دو موشک گروه حماس بسوی خاک اسرائیل ، فراهم نمود.

هرچند برخی ها که از اصل ماهیت صهیونیسم اطلاع کافی ندارند، بارمسؤولیت آنهمه جنگ و جنایت ضد بشری را به تنهایی به دوش شخص مثلاً " نتیاهاو " صدراعظم موجوده اسرائیل می اندازند. اما واقعیت در چارچوب فلسفی مکانیسم این رژیم صهیونیستی چیز دیگری است. یعنی هرگاه صدراعظم این کشور، احیاناً رغبتی به صدور فرمان برای عملیات سرکوبگرانه علیه خلق مغضوب فلسطین نداشته باشد، اندیشه ورزان قدرتمند پشت پرده که عبارت از همان صهیونیستهای سوگند خورده سیاسی اند، او را وادار به اینکار میسازند، همانند رمز و رازی که در درون نظام سرمایه داری ایالات متحده امریکا نهفته بوده و رییس جمهوری را وادار به امضا گذاشتن پای فیصله هایی مینمایند که پالیسی سازان پشت پرده، آنرا از قبل رقم زده اند. درغیرآن، رؤسای رسمی و پیش پرده دولت های امریکا و اسرائیل شاید با جان خویش بازی کنند.

چون سالهاست که صهیونیسم، دیگر صرفاً همان صهیونیسم مذهبی و عقیدتی سالهای قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم نیست . بدین معنا که یهودیان، تا آن زمانه ها ، تنها معتقد به تقدس کوه صهیون در حومه اورشلیم بخاطر موجودیت آرامگاه پیشوایان دینی و ملحوظات دیگر مذهبی شان بودند. واما،

سألهاست كه این اسم و رسم مذهبی، دیگر به صهیونیسم سیاسی و استعماری مبدل گشته مجموع رژیم برسر اقتدار و هرکسی كه در اهرم قدرت قرار داشته باشد، " باید " بخاطر راندن و دریدن سباعانه اعراب و بخصوص خلق مظلوم فلسطین از خانه و کاشانه اجدادی شان، سوگند یاد کند و خودش را مؤظف به ارتکاب هر نوع جنایت ضد بشری دران بخش از کره خاکی انگارد. پس ، چنین یک حزب جنگ افروز وصدراعظم جنگ آفرین دران کشور، هم نزد افسونگران صهیونیستی محبوب میباشد و هم پایدار تر از رقبای دیگر، در کرسی قدرت سیاسی باقی می ماند. پس منطقی ترآن خواهد بود كه مجموع رژیم صهیونیستی اسرائیل را بمثابة رژیم بیرحم، اشغالگر، جنگ افروز، ابزار دست استعمار جهانی و ضد اعراب بشناسیم، نه کمتر از ان.

تذکر این نکته نیز در عین حال ضروریست كه رژیم اسرائیل، از مدتهاست كه هیچ مانع باز دارنده مؤثر در برابر تهاجم ها ، سرکوبگریها و پیشتازی های خویش بسوی سرزمین های فلسطین، به یمین و یسار خویش نمی بیند. زیرا رژیم های عربی سألهاست كه هم غرق در مواضع ارتجاعی شان هستند و یا دستخوش دگردیسی های خونین سیاسی - اجتماعی میباشند. احزاب و نیروهای متعدد فلسطینی كه زمانی تعداد شان تا ده ، دوازده سازمان رزمجو میرسید و بگونه منسجم تر علیه اسرائیل می رزمیدند، یا مدتهاست فروکش کرده اند و یا در تشکیلات خود گردان فلسطین تحت زعامت سازمان الفتح مستحیل شده اند.

گروه حماس كه شاخه یی از اخوان المسلمین بوده و سألها قبل توسط رژیم اسرائیل به منظور مقابله و تخاصم با سایر گروه های مبارز و سکولار فلسطینی ساخته و پرداخته شد ، امروز از حلقه کنترل كامل سازنده اصلی اش بیرون جهیده است و هرچند این سازمان هنوز حیثیت مارگزنده در برابر اسرائیل تلقی میشود، مگر تقریباً در میدان لجابت ها و سرسختی های ظاهری اش تنها مانده است. با آنكه گروه حماس بعنوان فرمان دار باریكه غزه ، قسماً از سوی جمهوری اسلامی ایران و منابع محدود دیگر حمایت میشود، مگر از نظر ساختار جغرافیایی، متأسفانه در حلقه تنگ محاصره نظامی و اقتصادی اسرائیل گیر کرده و رشته های اساسی حیات اقتصادی ساکنان غزه هنوز هم در دست سران رژیم صهیونیستی قرار دارد. پس اسرائیلی ها، هرزمانیکه بخواهند، میتوانند حلقه محاصره را تنگ و تنگتر ساخته چند ملیون انسان فلسطینی را از ناحیه آب و برق و غذا و دوا و سایر مایحتاج زنده گی انسانی محروم سازند.

آنچه تا کنون عملاً ثابت شده اینست كه علی رغم کش و قوس سیاسی - نظامی گروه حماس علیه اسرائیل، تاحال هیچ دست آورد عمده و قابل حساب سیاسی یا نظامی نداشته است . زیرا، علاوه

از تحمل رنجها و سرکوب های دایمی که توسط نیروهای مسلح اسرائیل اعمال شده و یا میشود، این گروه، با نیرو های حکومت خود گردان فلسطین تحت رهبری عباس ، رژیم سلطنتی عربستان سعودی، رژیم پادشاهی اردن و دیگران نیزمشکل دارد.

یگانه وسیله نظامی که فعلاً در اختیار گروه حماس قرار دارد، یکتعداد موشکهای نه چندان دور بُرد است که گهگاهی بسوی چند منطقه کم نفوس اسرائیل پرتاب میکند. اما، استفاده از این وسیله نیز نه تنها تا کنون تلفات یا خسارات قابل توجه به جانب دشمن وارد نیاورده ، بلکه در هرمرتبه ، بهانه تازه یی بدست نظامیگران رژیم صهیونیستی اسرائیل غرض لشکر کشی زمینی و براه اندازی عملیات وسیع هوایی برضد فلسطینیان بیگناه ، زنان و کودکان معصوم آن دیارنیز داده است . چنانکه بروفق گزارش های مؤثق، در اثر هجوم نظامی اخیر اسرائیل، علاوه ازخسارات شدید مالی و عمرانی، صد ها فلسطینی (شامل زنان و کودکان معصوم) کشته و چند هزارنفر دیگر زخمی شده اند.

مزید برآنچه گفته آمد، رژیم صهیونیستی اسرائیل، ازنخستین مراحل تأسیس خویش تا کنون که باساز طرح و نقشه قدرت استعماری برتانیه و کشورهای قدرتمند اروپایی و امریکایی صورت گرفت، تا حال، همچنان از حمایت های بیدریغ و همه جانبه مالی ، نظامی ، سیاسی و دیپلماتیک جهان غرب به سرمداری ایالات متحده امریکا برخوردار بوده و خودش را از این ناحیه کاملاً مطمئن میداند . حتا در بحبوحه عملیات گسترده ی جاری علیه باریکه غزه ، باراک اوباما رییس جمهور امریکا، حمایتش ازاین حملات وحشیانه را ظاهراً تحت عنوان دفاع ازخود ،تأیید نمود.

اوباما گفت : " هیچ کشوری شلیک موشک بالای خاکش را تحمل نخواهد کرد "

اما، همین باراک اوباما و مقام های نظامی این کشور در مورد شلیک موشکها یا حملات توپخانه یی حکومت پاکستان بالای خاک افغانستان که از چندین سال بدینسو، بی وقفه ادامه دارد، نه تنها سکوت اختیار میکنند، بلکه حتا اظهار بی خبری هم مینمایند که در اینجا، همان ضرب المثل " یک بام و دو هوا " مطرح است .

با آنهم، آنچه هنوزتا حدی مایه امید واری انسان و انسانیت درجهان امروزی ما پنداشته شده میتواند، عبارت از اعتراض ها، انتقاد ها و واکنشهای مردم صلحدوست سراسر جهان است که دارد به فریاد مشترک عدالتخواهانه ضد بیداد گری رژیم صهیونیستی مبدل میشود. یعنی باردیگر، بارقه امید به دل و دماغ انسانهای صلح خواه و عدالت پسند گیتی تلالو میکند و این بشارت را بگوشها میرساند که علی رغم بیداد گری های نظام سود و سرمایه، هنوز وجدان بشریت کاملاً تهی از احساس وهمردی و همنوعی نشده است .

ما، همانطور که درد و داغ مرد وزن و کودک میهن عزیزمان را با رگ رگ جان مان احساس نموده و به دشمنان صلح و انسانیت و تروریسم لجام گسیخته منطقه و جهان نفرین میفرستیم، فریاد های تلخ مان را با صدا و فریاد زنان ، کودکان و جوانان بی دفاع فلسطین در برابر دهشت باریهای اسرائیل، این نماد استعمار و بربریت یکی میکنیم و دیده بر افق دور و اما روشنی بخش امید ها می دوزیم. دورمباد طلوع خورشید عدل و داد در افغانستان و سراسر جهان ! (پایان)